



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

Journal of

Comparative Criminal Jurisprudence

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 2, Issue 4, 2022

Legal Criminal Policy Related to Criminal Acts Based on Sexual Relations in the Laws of Iran and Canada

Seyed Mohammad Mousavi¹, Mahdi Chegeni^{*2}, Mohammad Rezaei³

1. PhD Student, Department of Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Ayatollah Azami Borujerdi University, Borujerd, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 159-170

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-2942-0642

TELL: +989354096531

Email: chegeni_isu@yahoo.com

Article history:

Received: 17 Jul 2022

Revised: 21 Sep 2022

Accepted: 11 Nov 2022

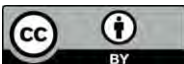
Published online: 22 Dec 2022

Keywords:

Sexual Crimes, Criminal Policy, Rape, Adultery, Consent.

ABSTRACT

Harassment is one of the important crimes that the way the legislator deals with it is of great importance because it is directly related to the social and psychological security of the society. The comparative study of the legislator's approach towards these crimes is effective in creating a clearer idea of the legislative criminal policy in this regard. The purpose of this article is to examine the question of what is the legal criminal policy related to criminal acts based on sexual relations in the laws of Iran and Canada? The present article is descriptive and analytical and the mentioned question has been investigated using the library method. The findings of the article indicate that the scope of criminalization of sexual crimes in Iranian law is wider than Canadian law. In addition, the punishment for hansi crimes in Iranian criminal law is more severe than in Canadian law. In Canadian criminal law, illicit relations are criminalized under the title of sexual assault only when there is no consent between the parties. Also, having sexual relations with children despite the child's consent is considered a crime. Iran's criminal laws pay great attention to religious sanctities and social ethics regarding crimes against human dignity and honor, including in the field of sexual acts and violation of public modesty.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Mousavi, SM; Chegeni, M & Rezaei, M (2022). "Legal Criminal Policy Related to Criminal Acts Based on Sexual Relations in the Laws of Iran and Canada". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(4): 159-170.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱

سیاست کیفری تقنینی مرتبط با اعمال مجرمانه مبتنی بر روابط جنسی در حقوق ایران و کانادا

سیدمحمد موسوی^۱، مهدی چگنی^{۲*}، محمد رضائی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی، بروجرد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

چکیده

جرایم جنسی یکی از جرایم مهمی است که نحوه مواجهه قانون‌گذار با آن از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا ارتباط مستقیمی با امنیت اجتماعی و روانی جامعه دارد. بررسی تطبیقی رویکرد قانون‌گذار نسبت به این جرایم در ایجاد تصور روشن‌تری از سیاست کیفری تقنینی در این خصوص تأثیرگذار است. هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که سیاست کیفری تقنینی مرتبط با اعمال مجرمانه مبتنی بر روابط جنسی در حقوق ایران و کانادا چگونه است؟ مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته شده است. یافته‌های مقاله بر این امر دلالت دارد دامنه جرم‌انگاری جرایم جنسی در حقوق ایران گسترده از حقوق کاناداست، ضمن این‌که مجازات جرایم جنسی در حقوق کیفری ایران نسبت به حقوق کانادا شدیدتر است. در حقوق کیفری کانادا، روابط نامشروع صرفاً در شرایطی که رضایت میان طرفین وجود نداشته باشد، تحت عنوان تجاوز جنسی جرم‌انگاری شده است. همچنین برقراری ارتباط جنسی با کودکان علی‌رغم رضایت کودک، جرم محسوب می‌شود. قوانین کیفری ایران به حرمت‌های مذهبی و اخلاق اجتماعی در خصوص جرایم بر ضد حیثیت و شرافت انسانی، از جمله در زمینه اعمال جنسی و خلاف عفت عمومی توجه زیادی می‌نماید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵۹-۱۷۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۶۴۲-۲۹۴۲-۰۰۰۳-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: ۹۸۹۳۵۴۰۹۶۵۳۱+

ایمیل: chegeni_isu@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

جرایم جنسی، سیاست کیفری، تجاوز

جنسی، زنا، رضایت.



مقدمه

یکی از مسائل مهم در جنسی، آثار این جرایم بر بزه‌دیده و جامعه است. آثار و پیامدهای جرایم جنسی یک ضربه روانی است که قربانی (که به آن «بازمانده» نیز گفته می‌شود) به روش‌های فیزیکی، روانی و جامعه‌شناختی تحت تأثیر این تجربه قرار می‌گیرد. اکثر قربانیان تجاوز در دوره اولیه پس از حمله، تأثیر روانی شدیدتری را تجربه می‌کنند. با این حال، بسیاری از بازماندگان ممکن است آسیب روانی طولانی‌مدت را تجربه کنند. پس از حمله، قربانیان تجاوز اضطراب و ترس شدیدتری را تجربه می‌کنند. همین امر، سیاست تقنینی در مواجهه با جرایم جنسی را به یک چالش مهم و موضوع محل بحث و اختلاف نظر مبدل ساخته است. این که کیفیت و میزان مجازات جرایم جنسی چگونه باید باشد، از موضوعات مهمی است که نیازمند بحث و بررسی است. یکی از روش‌های ارزیابی سیاست تقنینی در خصوص جرایم جنسی، بررسی تطبیقی است. در واقع اهمیت و تأثیرگذاری جرایم جنسی، تحلیل سیاست تقنینی در این خصوص به صورت مطالعه تطبیقی را به یک ضرورت مبدل ساخته است. سیاست جنایی ایران در رویارویی با این گروه از جرایم، با بهره‌گیری از سیاست جنایی اسلام الگوی کیفی را برگزیده است. سیاست تقنینی کانادا برگرفته از حقوق کامن‌لا است. تفاوت دو نظام حقوقی شرایط مناسبی برای تبیین سیاست تقنینی در قبال جرایم جنسی در حقوق دو کشور ایران و کانادا ایجا کرده است.

پژوهش‌های متعددی در زمینه جرایم جنسی و پیشگیری کیفی از جرایم جنسی انجام شده است: مسعود نورعلیزاده میانجی در مقاله‌ای به بررسی مدل اسلامی «مصون‌سازی» رفتار جنسی با تأکید بر پیشگیری و درمان انحراف‌ها و مشکلات جنسی پرداخته است (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۸۸: ۱۴۲-۱۰۷). همچنین امیرحسین خلیج‌معصومی و ناصر قاسمی، در مقاله‌ای، سیاست تقنینی ایران در بررسی اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی را مورد بررسی قرار داده‌اند (خلیج‌معصومی و قاسمی، ۱۳۹۷: ۸۴-۶۷). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که در این مقاله به بررسی سیاست کیفی تقنینی مرتبط با اعمال

مجرمانه مبتنی بر روابط جنسی در حقوق ایران و کانادا پرداخته می‌شود. براساس آنچه گفته شد، هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که سیاست کیفی تقنینی مرتبط با اعمال مجرمانه مبتنی بر روابط جنسی در حقوق ایران و کانادا چگونه است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا سیاست کیفی تقنینی مرتبط با اعمال مجرمانه مبتنی بر روابط جنسی در حقوق ایران و سپس در حقوق کانادا بررسی می‌شود.

۱- سیاست کیفی تقنینی مرتبط با اعمال مجرمانه مبتنی بر روابط جنسی در حقوق ایران

پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، قوانین مجازات اسلامی اصلی‌ترین منبع قانون‌گذاری این دسته از جرایم است. در عین حال عناوین جزایی متعددی نیز در قوانین با موضوعات مختلف پیش‌بینی شده که در این طبقه‌بندی قرار می‌گیرند. تعدادی از این قوانین از دوران قبل از انقلاب اسلامی تاکنون اعتبار دارد و به‌طور صریح یا ضمنی نسخ نشده است و برخی قوانین نیز باتوجه به ضرورت‌های موجود پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی و به‌تدریج در طول زمان به تصویب رسیده که هدف اصلی یا تبعی مقنن در وضع آن‌ها، جرم‌انگاری عناوینی از جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی به‌منظور پیشگیری از وقوع آن‌ها یا بازدارندگی از این امور است.

این نکته را نباید از نظر دور داشت که با گذشت زمان اصول اخلاقی پذیرفته‌شده توسط جامعه که به‌طور سنتی ریشه در آموزه‌های مذهبی جامعه اسلامی دارد - به‌خصوص در مواردی که به‌عنوان منشأ وضع عناوین جزایی خلاف عفت عمومی قلمداد می‌شود - در اشکال متفاوت‌تری نسبت به گذشته نمایانگر شده است. با در نظر گرفتن این مطلب که پدیده مذکور در سیر تحولات اجتماعی در صورتی که همراه با حفظ ریشه‌های اعتقادی جامعه باشد، امری طبیعی است محسوب می‌شود، لازم است دیدگاه قانون‌گذار کیفی را نیز همگام با تحولات اجتماعی دچار تغییر و اصلاح سازد. در نظام قانون‌گذاری کیفی منبعث از موازین شرعی، قانون‌گذار جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی را در دو مبحث کلی حدود و تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده طبقه‌بندی می‌نماید

اصطلاح حقوقی زنا به عنف عبارت است از نزدیکی آگاهانه مرد بالغ، عاقل، قاصد و مختار با زنی بدون رضایت و میل مشارالیه.

زنا، از دیرباز نه تنها در تمام ادیان الهی، بلکه در غالب قوانین بشری، امری غیرمجاز تلقی گردید و به طور معمول، کیفرهای سختی برای مرتکب آن پیش‌بینی شده است.

درخصوص علل ارتکاب تجاوز جنسی توسط مجرمین به اختصار باید گفت عدم آموزش قیود اخلاقی و اصول مذهبی از عوامل بسیار مؤثر می‌باشد. همچنین عواملی همچون الکلیسم و برخی از انواع بیماری‌های روانی، مانند «اسکیزوفرنی»، «پارانومیا» و اختلالات روانی در این انحراف مؤثرند (کسل و برشتین، ۱۳۸۲: ۲۵۹).

اختلالات جنسی می‌تواند از عوامل وقوع چنین جرمی باشد. به‌عنوان مثال بسیاری از بیماران دارای اختلالات جنسی چون جنون مقاربت (شریفی خضارتی، ۱۳۹۰: ۲۱۴-۲۰۶)، سادیسم یا سادومازوخیسم نیز از جمله متجاوزین جنسی هستند. به‌عنوان مثال، از سادیست‌های معروف ایران می‌توان به سیف‌القلم شیرازی که زنان را فریب داده و پس از تجاوز، آنان را با سیانور مسموم کرده و به قتل می‌رساند، می‌توان نام برد. همچنین فردی به‌نام «ورزنی» هنگام مقاربت گلوی زنان را با انگشت خود به‌قدری فشار می‌داد که به اوج لذت جنسی برسد و گاهی این امر نیز منجر به مرگ زنان می‌شد (شریفی خضارتی، ۱۳۹۰: ۱۸۴).

تمامی مصادیق تعرضات جنسی، از جمله جرایمی هستند که نیاز به ارتکاب یک فعل مثبت دارد، لذا ارتکاب زنا به عنف (ولیدی، ۱۳۹۶: ۹۷)، نه در نظام کیفری ایران و نه در نظام کیفری کانادا از طریق ترک فعل متصور نیست. حال سؤال اساسی این است که فعل ارتکابی توسط مجرم باید دارای چه اوصافی باشد تا جرم زنا به عنف یا تجاوز جنسی محقق شود؟

قبل از ورود به پاسخ این سؤال باید گفت که از آنجایی که در قوانین فعلی ایران زنا به عنف یکی از مصادیق کلی زنا معرفی شده است و به‌طور اختصاصی تعریف نشده است، برای شناخت عناصر و ارکان تشکیل‌دهنده زنا به عنف در

(زراعت، ۱۳۹۴: ۷۸). قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ - تا قبل از نسخ صریح آن - در بخش حدود و کتاب پنجم همین قانون در بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ به‌عنوان اصلی‌ترین منبع قانونی این دسته از جرایم محسوب می‌شد. در حال حاضر کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده و قانون آزمایشی مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در بخش حدود لازم‌الاجرا و دارای اعتبار است. در این قسمت به بررسی سیاست کیفری تقنینی مرتبط با اعمال مجرمانه مبتنی بر روابط جنسی در حقوق ایران پرداخته می‌شود.

۱-۱- زنای به عنف

زنای به عنف یا تجاوز جنسی و یا به‌عبارت برخی نویسندگان «هتک ناموس» عبارت است از آمیزش جنسی یک مرد با یک زن برخلاف میل و رضایت او (کسل و برشتین، ۱۳۸۲: ۲۵۸). بنابراین زنا به عنف رابطه جنسی با جنس مخالف بوده و از این نظر طبیعی است، ولی طبق مقررات و قوانین موضوعه و آداب و رسوم اجتماعی و مذهبی انجام نمی‌گیرد، درخصوص معنای آمیزش جنسی و فعل مجرمانه در زنا توأم با عنف و اکراه در آینده سخن خواهیم گفت. امروزه تجاوز جنسی معنای وسیعی پیدا کرده است. به‌طور مثال، «دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی» فروکردن یک تکه چوب را در مهبل یک زن زمانی که او در حال مرگ است، تجاوز جنسی تلقی کرده است. این دیوان حتی معتقد بود که دخول اجباری آلت تناسلی در دهان که یک حمله توهین‌آمیز نسبت به حیثیت ذاتی انسان است، می‌تواند تجاوز جنسی به‌شمار رود، حتی از نظر این دیوان مجبورکردن دو مرد به تحریک آلت تناسلی یکدیگر از طریق زبان نیز می‌تواند تجاوز جنسی باشد (کسل و برشتین، ۱۳۸۲: ۲۵۸).

در قوانین اخیرالتصویب کانادا نیز تجاوز جنسی جرمی است که اولاً مجنی‌علیه آن هم زن و هم مرد می‌تواند باشد؛ ثانیاً دخول اجباری آلت تناسلی به دهان مجنی‌علیه را نیز دربر می‌گیرد. به هر حال آنچه که در این نوشتار منظور ما می‌باشد، همان مقاربت جنسی با زن بدون رضایت اوست، پس در

در عین حال به موجب مفاد ماده ۲۲۳ قانون مجازات اسلامی ادعای زوجیت در کنار ادعای وطی به شبهه یا ادعای اشتباه، به جز در مواردی که خلاف آن با حجت شرعی ثابت شود - در مورد متهم به عمل زنا - از موجبات سقوط حد زنا شمرده شده است. حال آنکه در ماده ۶۶ (ق.م.ا) تنها به ادعای اشتباه و ناآگاهی توسط مرد یا زن مرتکب به عنوان یکی از موجبات سقوط حد اشاره شده است. وجه مشترک هر دو ماده اتخاذ سیاست توأم با بزه‌پوشی است (احمدلو، ۱۳۷۶: ۲۹).

قانون مجازات اسلامی برای عمل زنا در حالات گوناگون، براساس وضعیت حقوقی یا شخصی یکی از طرفین زنا، رضایت یا عدم رضایت زن در حین انجام عمل مسلمان بودن یا نبودن طرفین زنا و مکان یا زمان ارتکاب آن - ذیل عناوین متعدد - مجازات تعیین نموده که به همه آن‌ها حد زنا، اطلاق می‌شود.

قانون‌گذار کیفری در ذیل فصل اول بخش اول کتاب دوم قانون مجازات اسلامی، ذیل عنوان زنا، برخلاف روش مرسوم - به صورت تقسیم‌بندی انواع جرم براساس عناصر مادی ارتکاب آن - این عناوین را براساس نوع یا نحوه اجرای حد، طبقه‌بندی کرده است. بر این اساس، جرایم موضوع این قسمت از قانون را به شرح ذیل بررسی می‌کنیم.

۱-۲-۱- زنا مشمول حد قتل

زنا مشمول حد قتل شامل موارد زیر است:

۱-۲-۱-۱- زنا با محارم نسبی

این عمل شامل مواردی خواهد بود که زن و مرد طرفین زنا با یکدیگر رابطه محرمیت نسبی داشته باشند، طبیعی است که رابطه محرمیت بین زن و مرد اعم از نسبی یا سببی واجد آثار مشخصی است که به نوعی تسهیل برخی روابط را، از حیث از بین بردن برخی محدودیت‌های موجود در مورد رابطه دو جنس مخالف، به دنبال دارد، لکن اثر مهم چنین حالتی که تنها بین دو جنس مخالف مفروض خواهد بود، آن است که امکان هرگونه استمتاع جنسی چه در قالب انعقاد عقد نکاح و چه خارج از آن از محارم سلب شده است. حال اگر رابطه محرمیت بین طرفین زنا به صورت نسبی وجود داشته باشد،

حقوق ایران باید به بررسی و مطالعه جرم زنا توأم با رضایت پرداخته و در کنار مصادیق بیان شده در تبصره ۲ ماده ۲۲۴ قانون مجازات ۱۳۹۲ باید تنها این شرط را اضافه کرد که وجود عنف و اکراه در مقابل موجب تغییر عنوان مجرمانه از زنا ساده به زنا به عنف و اکراه می‌شود.

در تعریف زنا، ماده ۶۳ قانون سابق مجازات اسلامی آورده بود که: «زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است، اگرچه در دبر باشد در غیر موارد شبهه». ماده ۲۲۱ قانون جدید نیز مقرر می‌دارد: «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد». مطابق تبصره ۱ ماده مورد اشاره «جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در قُبُل یا دُبُر زن محقق می‌شود.»

فعل ارتكابی در زنا به عنف این است که فرد با استفاده از آلت رجولیت خود به فرج زن دخول کند، هرچند اقدام او در مقاربت با دیگری منتهی به انزال منی نشود، اقدام او که مبین قصد مجرمانه وی برای عمل زنا است، عنصر مادی جرم محسوب می‌شود. بنابراین جرم زنا از نظر عنصر مادی جرم از جرایم مطلق است، یعنی به صرف دخول آلت رجولیت مرد در فرج زن، در صورت کشف واقعه دیگر نیازی به حصول نتیجه مورد نظر زانی نیست.

۱-۲-۱-۲- زنا

به موجب ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عمل جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد، حتی اگر این عمل در دُبُر زن صورت گرفته باشد، تحت عنوان کلی زنا، جرم شناخته شده و مرتکب در صورت احراز سایر شرایط، مشمول اجرای حد خواهد شد. شرط اصلی تحقق زنا و تفکیک آن از سایر عناوین مربوط به جرایم جنسی پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی، تفاوت جنسیت در دو طرف عمل جنسی است و نقش موضعی که جماع در آن صورت گرفته، صراحتاً نفی شده است. همچنین در مواردی که جماع بین مرد و زن مشمول عنوان وطی به شبهه، اعم از شبهه حکمیه یا موضوعیه باشد، جماع مذکور مشمول حد زنا نمی‌گردد.

مختلفی مشاهده می‌شود، حتی در صورتی که قاتل به امکان وقوع چنین فرضی باشیم، عمل زن اکراه‌کننده - باتوجه به استفاده قانون‌گذار از لفظ زانی در بند «ت» ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ - مشمول حد قتل نخواهد بود.

۱-۲-۱-۵- زنای مشمول حد رجم

در این قسمت به بررسی زنای مشمول حد رجم پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱-۶- زنای مرد محصن

در صورت وجود تمام شرایط ذیل برای مرد زانی، از نظر قانون مجازات اسلامی، عمل وی زنای محصنه تلقی می‌شود و نسبت به مرد مذکور حد رجم جاری خواهد شد با اجتماع شرایط ذیل: ۱- مرد در حین ارتکاب عمل، دارای همسر دائمی و بالغ باشد؛ ۲- حداقل یک‌بار درحالی که خودش بالغ و عاقل بوده، با همسر بالغ از طریق قُبُل جماع کرده باشد؛ ۳- هر وقت بخواهد قادر باشد با همسرش از طریق قُبُل جماع نماید، لذا در صورتی که حین ارتکاب عمل زنا دسترسی به همسرش از طریق قُبُل به‌لحاظ وجود فاصله زیاد یا مسافت زیاد یا همسرش یا عذرهای موجه دیگر مقدور نبوده، مشمول مجازات رجم نخواهد بود.

۱-۲-۱-۷- زنای زن محصنه با مرد بالغ

در صورتی که مرتکب عمل زنا زن بوده، همراه با اجتماع شرایط ذیل، عمل وی زنای محصنه تلقی و مشمول حد رجم خواهد بود: ۱- زن در حین ارتکاب عمل دارای شوهر دائمی و بالغ باشد؛ ۲- شوهر وی درحالی که بالغ و عاقل بوده، حداقل یک‌بار با وی از طریق قُبُل جماع کرده باشد؛ ۳- هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قُبُل با شوهر را داشته باشد. لازم به‌ذکر است در ماده ۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، در خصوص شرایط احصان مرد و زن، پیش‌بینی شده بود: «در صورتی که بین مرد یا زن زانی و همسرش حین ارتکاب عمل زنا، طلاق رجعی واقع شده باشد، شرایط احصان همچنان باقی است، اما اگر بین آن‌ها طلاق بائن واقع شده باشد، از شرایط احصان خارج شده و در نتیجه مشمول حد رجم نخواهد شد.»

در صورت ارتکاب و فقدان موانع اجرای حد، این عمل نسبت به زانی یا زانیه مشمول حد قتل خواهد بود، لکن به‌موجب ماده ۲۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در موردی که زانیه با فردی که رابطه محرمیت نسبی دارد و نابالغ است، زنا نماید، مشمول حد قتل نخواهد شد. مجازات زانیه صرفاً صد ضربه شلاق تعیین شده است.

۱-۲-۱-۲- زنا با زن پدر

در صورتی که شخصی با مادر خود مرتکب زنا شود، عمل وی مشمول بند «الف» ماده ۲۲۴ خواهد بود، چراکه رابطه محرمیت فی‌مابین از نوع نسبی است، لکن در صورتی که مرد زانی مرتکب این عمل با زنی گردد که همسر پدر وی باشد، علی‌رغم این‌که رابطه محرمیت از نوع سببی در این‌باره نیز مفروض است، عمل وی مشمول حد قتل خواهد شد. این فرض تنها حالتی از زنای بین محارم سببی است که مشمول حد قتل برای زانی خواهد بود، لذا باتوجه به تصریح این بند عمل زنای زن پدر در هیچ شرایطی مشمول حد قتل نخواهد بود و برابر سایر قواعد تعیین خواهد شد.

۱-۲-۱-۳- زنای غیرمسلمان با زن مسلمان

در صورتی که مرد زانی غیرمسلمان بوده و با زنی که مسلمان است، مرتکب عمل زنا گردد، به تصریح قانون برای طرف ذکور در چنین رابطه‌ای، حد قتل پیش‌بینی شده است و برای عمل زن مسلمان مطابق با سایر مقررات حدود، مجازات تعیین می‌گردد.

۱-۲-۱-۴- زنای به‌عنف یا اکراه

علی‌رغم این‌که به‌موجب ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی تحقق اکراه در زنا، از سوی هریک از طرفین این عمل، قابل تصور است، لکن حد قتل تنها شامل مواردی است که اکراه‌کننده فرد مذکر یا زانی باشد. در عین حال در صورتی که عمل زانی توأم با عنف بوده و یا با غلبه بر زن بدون تحصیل رضایت او صورت گیرد، مشمول همین نوع از حد قرار خواهد گرفت.

صرف نظر از این‌که درباره امکان تحقق اکراه در زنا نسبت به طرف مذکر ابهاماتی وجود دارد و در آرای فقها نظرات

۱-۲-۸- زناي زن محصنه با مرد نابالغ

در مورد بند قبل، چنانچه زن، مرتکب زنا با مردی شود که شرعاً بالغ محسوب نمی‌شود، علی‌رغم دارابودن سه شرط دیگر احصان، مشمول حد رجم نخواهد بود و حد تازیانه بر وی جاری می‌شود.

۱-۲-۹- زناي مشمول حد جلد

قطع نظر از این که مرتکب عمل زنا، زن باشد یا مرد، در صورتی که شرایط احصان مقرر در قانون مجازات اسلامی در مورد هریک از مرتکبین جمع نشود، حد جلد که مشتمل بر صد تازیانه است، نسبت به آن‌ها - حسب مورد - اجرا خواهد شد. حد جلد خفیف‌ترین مجازات مربوط به عمل زنا تلقی شده و عمومیت دارد. سایر اقسام مجازات‌های تعیین‌شده برای زنا که تماماً مشمول عنوان حد خواهند بود - نسبت به حد جلد - به‌عنوان مجازات‌هایی تابع وجود شرایط معین در عمل مرتکب هستند - به شمار می‌روند.

۱-۳-۳- هتک ناموس محارم

در حقوق کیفری ایران قبل از انقلاب اسلامی، علی‌رغم این که رابطه جنسی بین زن و مرد متأهل با رضایت طرفین، عملی غیرمجرمانه تلقی می‌گشت، ولی در همین موارد وجود رابطه مجرمیت، موجب ممنوعیت این رابطه و قابل مجازات شدن آن می‌گردید، بدین ترتیب در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ حکم صریح و بی‌قیدوشرطی درخصوص زناي با محارم ذکر نشده بود، ولی در ماده ۲۰۷ این قانون قبل از اعمال اصلاحات جرم زنا با محارم، با عنوان مستقل در صورت اثبات با مقررات شرعیه، مستوجب مجازات اعدام دانسته شده و در غیر این صورت تکلیف آن به مواد بعدی این قانون احاله داده می‌شد.

براساس این احاله، چنانچه این عمل توأم با عنف یا اکراه بوده یا سن مجنی‌علیه کمتر از ۱۵ سال بوده یا حین این عمل، ازاله بکارت صورت می‌گرفت، حسب مورد تحت عنوان هتک ناموس به عنف یا هتک ناموس اطفال یا ازاله بکارت تحت تعقیب واقع می‌شد، ولی عمل جنسی با محارم در حالت عادی و مستقل و بدون قیود سابق، عملاً غیرقابل تعقیب و مجازات بود. به‌لحاظ عدم تطبیق این وضع با عرف و

هنجارهای مردم مسلمان ایران که متأثر از تعلیمات شرعی بود، در سال ۱۳۱۲، ضمن اصلاحات به‌عمل‌آمده در فصل پنجم قانون جزا، بند «ج» ماده ۲۰۷ اصلاحی، به جرم هتک ناموس با محارم اختصاص یافت.

نکته قابل توجه در این قسمت از ماده ۲۰۷ این است که مقنن با استفاده از لفظ محارم به‌طور مطلق، جرم هتک ناموس با محارم را شامل تمام مواردی که طرفین با یکدیگر محرم نسبی یا سببی بوده‌اند می‌دانسته است، لذا دایره تعیین علل مشدده از این حیث نسبت به موازین شرعی وسیع‌تر بوده است. از طرف دیگر عمل فردی که از عمل هتک ناموس با محارم تمکین نموده است نیز جرم‌انگاری شده بود که بر این اساس توأم‌شدن عمل هتک ناموس با عنف و اکراه، تأثیری در عنوان جزایی هتک ناموس با محارم نداشت (احمدلو، ۱۳۷۶: ۴۰-۳۷).

در هر حال در بسیاری از نظام‌های حقوقی نظیر کانادا که روابط جنسی با رضایت طرفین حتی برای افراد متأهل جرم‌انگاری نشده است، زنا با محارم در زمره جرایم جنسی قرار گرفته و قابل مجازات است. در این دسته از نظام‌ها برای توجیه این امر به لزوم محافظت و دفاع از معیارهای قابل قبول اخلاقی استناد شده است که چنین استدلالی نشان‌دهنده قبح و قابلیت سرزنش شدید این عمل در جوامع مذکور است (احمدلو، ۱۳۷۶: ۴۰).

۱-۴-۴- هتک ناموس اطفال و اعمال منافی عفت با اطفال

در حقوق ایران در این نوع از جرم‌انگاری مقنن به طفل بودن یکی از طرف‌های رابطه جنسی توجه داشته و به اعتبار این امر قائل به تشدید مجازات مرتکب عمل جنسی مجرمانه می‌گردید. بر این اساس وضعیت سنی طفل در دو حالت مورد توجه واقع می‌شد: اول اطفالی که بیش از ۱۵ سال سن داشته، ولی به سن ۱۸ سال تمام نرسیده بودند؛ دوم اطفالی که ۱۵ سال تمام یا کمتر داشتند. وجود هریک از این اوصاف در یکی از طرفین، در صورت وقوع هتک ناموس یا عمل منافی عفت حسب مورد از علل مشدده مجازات فاعل شمرده شده یا به‌عنوان جرم مستقل در نظر گرفته می‌شد. طبیعی است که در این موارد نسبت به حالات دیگر، در مورد اعمال جنسی

مجرمانه با اطفال که دارای عناوین مستقل بودند، مجازات شدیدتری در نظر گرفته می‌شد.

۱-۵- عمل منافی عفت با عنف و تهدید به جرم هتک ناموس
براساس قانون مجازات عمومی، هرگونه عمل جنسی غیر از هتک ناموس که نسبت به مجنی‌علیه توأم با زور و تهدید، اعمال می‌شد به‌عنوان عملی مجرمانه تلقی می‌گشت و در شرایط و حالت‌های مختلف مشمول مجازات‌های گوناگون می‌گردید. این‌گونه اعمال جنسی بدون ذکر مصادیق آن در قانون، منبث از نیازهای جنسی تلقی می‌شد و می‌توانست ملامسه، تقبیل و مضاجعه بین مرد و زن اجنبی را دربر گیرد. در صورتی که وقوع این اعمال منجر به ازاله بکارت نیز می‌گردید، مجازات مرتکب به‌طور نسبی تشدید می‌شد.

۱-۶- ازاله بکارت

باتوجه به اهمیت حفظ بکارت دختران تا پیش از ازدواج و تشکیل خانواده در عرف خانواده ایرانی، قانون‌گذار این عمل را در راستای حمایت از یکی از ارزش‌های حاکم بر جامعه مسلمان و ایرانی، شناخته بود. عنوان مجرمانه ازاله بکارت - به‌عنوان جرم مستقل نه به‌عنوان علل مشدده کیفر - تنها در موردی کاربرد داشت که ازاله بکارت دختر باکره‌ای به هر وسیله غیر از توسل به هتک ناموس یا عمل منافی عفت با عنف یا تهدید موضوع مواد ۲۰۷ و ۲۰۸ قانون مجازات عمومی صورت گرفته باشد.

۱-۷- لواط

باوجود جرم‌انگاری عمل لواط در قوانین کیفری قبل از انقلاب اسلامی، جرم لواط - همانند هتک ناموس - تعریف نشده بود، لکن باتوجه به اختلاف برداشت از قسمت اخیر بند «الف» قانون مجازات عمومی و مستنداً به‌معنای شرعی و عرفی این اصطلاح که شامل عمل «دخول آلت مرد در دُبُر مرد دیگر» می‌شد، دیوان عالی کشور در یکی از آرای وحدت رویه خود که در تاریخ ۱۳۳۶/۰۳/۳۰ درخصوص اختلاف نظر در نحوه برداشت از بند «الف» ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی و بندهای هفت‌گانه آن، که صادر شده بود، در مقام پاسخ به این ابهام که آیا دخول آلت مرد در دُبُر زن لواط محسوب می‌شود یا هتک ناموس، چنین عنوان کرد که:

«ارتکاب موافقه به عنف با زن یا دختر بدون رابطه زوجیت اعم از قُبُل و دُبُر، هتک ناموس بوده و مشمول بند «الف» ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی خواهد بود، بدون این که استناد به شق ۷ ماده مذکور که اختصاص به جنس ذکور دارد لازم باشد» (احمدلو، ۱۳۷۶: ۲۷-۲۶). بنابراین عنصر مادی جرم لواط صرفاً به دخول آلت در دُبُر مرد توسط جنس مذکر اطلاق می‌گردید و وقوع آن توأم با عنف و تهدید برخلاف هتک ناموس بدون این که شرط مجرمانه‌بودن عمل لواط تلقی گردد، تنها از علل مشدده مجازات به‌شمار می‌رفت، لکن عمل لواط در هر حال جرم تلقی می‌شد (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۸۹).

۲- سیاست کیفری تقنینی مرتبط با اعمال مجرمانه مبتنی بر روابط جنسی در حقوق کانادا

در این قسمت به بررسی سیاست کیفری تقنینی مرتبط با اعمال مجرمانه مبتنی بر روابط جنسی در حقوق کانادا پرداخته می‌شود.

۲-۱- تجاوز به عنف

در حقوق کانادا تا قبل از سال ۱۸۶۱ میلادی، جرم تجاوز جنسی یک جرم کامن‌لایی و مبتنی بر رویه قضایی بود و هیچ قانونی درخصوص جرم‌انگاری این عمل وجود نداشت. به‌موجب مقررات کامن‌لایی، مجازات این جرم اعدام بود و تنها شامل آمیزش جنسی به عنف از راه مهمل می‌شد. عنصر روانی آن نیز علم و عمد بود تا این که پس از حرکت حقوق کانادا به‌سمت نگارش و تدوین قوانین در حوزه حقوق جزا و خروج جرایم از حوزه کامن‌لا، در سال ۱۸۶۱ قانون جرایم علیه اشخاص به تصویب رسید که مواد ۴۸، ۵۰ و ۵۱ این قانون به جرم‌انگاری تجاوز جنسی پرداخت. پس از آن در سال ۱۹۵۶ مواد مذکور نسخ شد و قانونی جامع در حوزه جرایم جنسی تحت عنوان قانون جرایم جنسی به تصویب رسید که ماده ۱ این قانون به جرم‌انگاری جرم تجاوز جنسی پرداخت و احکامی درخصوص آمیزش جنسی با اطفال، مجانین و بیماران دارای اختلال روانی و همچنین آمیزش جنسی از طریق فریب و نیرنگ وضع نمود. در سال ۱۹۵۹ یعنی سه‌سال بعد احکام صادره درخصوص آمیزش جنسی با مجانین که در حکم تجاوز جنسی محسوب شده و جرم بود و مجازات خاص خود را داشت، به‌موجب «قانون بهداشت

کشورها است. به این بروز بیرونی و مادی قصد مجرمانه که شامل عناصر مادی تشکیل‌دهنده جرم می‌باشند، عنصر یا رکن مادی جرم می‌گویند. عنصر مادی جرم برخلاف آنچه که پنداشته می‌شود، صرفاً شامل رفتار مجرمانه خاص نیست و علاوه بر آن شامل شرایط و اوضاع و احوالی که قانون‌گذار برای ارتکاب یک جرم تعیین می‌کند و همچنین در برخی موارد (در جرایم مقید) نتیجه حاصل از رفتار مجرمانه نیز می‌باشد. از آنجایی که جرم تجاوز جنسی یک جرم مطلق می‌باشد و نیاز به وقوع هیچ نتیجه خاصی ندارد، لذا سخن درخصوص نتیجه فعل مجرمانه بیهوده و اضافه می‌نماید. بنابراین در این قسمت برآنیم تا ابتدائاً به بررسی رفتار مجرمانه لازم برای ارتکاب جرم زنا به عنف در حقوق ایران و کانادا پرداخته و سپس شرایط و اوضاع و احوال ضروری برای ارتکاب جرم مذکور را مورد مطالعه قرار دهیم.

تنها یک مسأله خاص درخصوص عنصر رضایت در زنا به عنف باقی مانده که در اینجا آن را طرح می‌کنیم و آن این که همان‌طور که در بحث رضایت گفته شد، در حقوق کانادا در حال حاضر، رضایت باید در تمام طول آمیزش جنسی وجود داشته باشد.

در حقوق کانادا در قانون جرایم علیه اشخاص مصوب ۱۸۶۱، که اولین قانونی بود که به جرم تجاوز جنسی پرداخته بود، در ماده ۴۸، ۵۰ و ۵۱ فعل ارتكابی مورد نیاز برای تحقق تجاوز جنسی، «مقاربت جنسی»^۱ معرفی شده بود و در ماده ۶۳ این قانون مقاربت جنسی تعریف شده بود. به‌موجب این ماده هر جایی که برای تحقق جرمی اثبات مقاربت جنسی ضروری بود، اثبات انزال اسپرم برای تحقق مقاربت جنسی لازم نیست و مقاربت جنسی با اثبات صرف دخول^۲، کامل و تمام فرض خواهد شد. در این قانون و قوانین بعدی کانادا هم‌صحتی از میزان دخول نمی‌شود و آنچه را که عرف دخول بداند، ملاک تحقق جرم خواهد بود. در ماده ۴۸ محل دخول برای تحقق جرم تجاوز جنسی معین نمی‌شود و در رویه قضایی تنها دخول در مهبل زن موجب تحقق جرم تجاوز جنسی می‌شد و ارتکاب مقاربت جنسی از طرف قُبُل تجاوز جنسی محسوب

عمومی» اصلاح شد. پس از آن در سال ۱۹۹۳ به‌موجب قانون جرایم جنسی این فرض قانونی که پسر زیر ۱۴ سال نمی‌تواند مرتکب تجاوز جنسی شود، نسخ گردید و از آن پس هر طفل بالای ۱۰ سال نیز می‌توانست مرتکب این جرم شود و در سال ۱۹۹۴ ماده ۱ قانون ۱۹۵۶ اصلاح شد. در سال ۲۰۰۰ به‌موجب «قانون اصلاح قانون جرایم جنسی» آمیزش جنسی با طفل زیر ۱۸ سال باوجود یک رابطه سرپرستی جرم‌انگاری شد و در حکم یک نوع تجاوز جنسی محسوب شده و دارای مجازات خاص قرار گرفت. در واقع تا سال ۲۰۰۳ عنصر قانونی اصلی جرم تجاوز جنسی در کانادا ماده ۱ قانون جرایم جنسی مصوب ۱۹۵۶ بود که در سال ۱۹۹۴ به‌موجب «قانون عدالت کیفری و نظم عمومی» اصلاح شده بود، تا این که در سال ۲۰۰۳ کلیه قوانین و مقررات مذکور در فوق نسخ شد و «قانون جرایم جنسی» به تصویب رسید که به نظر نگارندگان یکی از کامل‌ترین قوانین موجود در حوزه جرایم جنسی است. این قانون یک قانون جامع و کامل درخصوص انواع تعرضات و جرایم جنسی است که باعث تغییر و تحولات بنیادین در نظام کیفری کانادا در حوزه جرایم جنسی شد. ماده ۱ این قانون اختصاص به جرم تجاوز جنسی دارد که به کل با قوانین گذشته متفاوت است (Field, 2003: 45). به‌عنوان مثال، آمیزش جنسی به عنف از راه دهان نیز در این سال در حکم تجاوز جنسی قرار گرفت. همچنین عنصر معنوی این جرم از عمد و بی‌پروایی به جرم توأم با مسامحه تغییر کرد که در آینده بیشتر در این خصوص سخن خواهیم گفت. همچنین در این قانون، احکام خاص و کاملی درخصوص آمیزش جنسی با اطفال، مجانین، آمیزش جنسی با اطفال باوجود یک رابطه فامیلی و خانوادگی و یا یک رابطه سرپرستی و ... که همگی به‌نوعی مرتبط به جرم تجاوز جنسی هستند، وضع شده است. در حال حاضر ماده ۱ قانون عنصر قانونی اصلی تجاوز جنسی در نظام کیفری کانادا می‌باشد.

همان‌طور که مشخص است، قانون‌گذاران معمولاً صرف یک قصد مجرمانه و حتی یک مرحله جلوتر از آن، یعنی صرف تهیه مقدمات ارتکاب یک جرم را جرم ندانسته و قابل سرزنش نمی‌دانند. در واقع بروز مادی و بیرونی قصد مجرمانه غالباً لازمه ارتکاب تمامی جرایم مذکور در قوانین جزایی

^۱- Camal Knoledge

^۲- Penetration

انصراف و بیرون کشیدن آلت تناسلی محسوب می‌شود. باتوجه به آنچه که گفته شد تا سال ۲۰۰۳ در حقوق کانادا و تا حال حاضر در حقوق ایران متجاوزینی که بزهدیدگان خود را وادار به آمیزش دهانی می‌کنند، مرتکب تجاوز جنسی نبوده و شدیدترین جرمی که ممکن است این افراد به آن محکوم شوند، تعرض یا تماس جنسی به عنف می‌باشد، یعنی در حال حاضر در مسأله طرح‌شده، عمل مرتکب مشمول ماده ۶۳۷ کتاب تعزیرات شده و تنها مستحق تا ۹۹ ضربه شلاق است و در کانادا تا سال ۲۰۰۳ این فعل تنها مستحق حداکثر ده سال حبس بوده، اما از سال ۲۰۰۳ به بعد در کانادا این عمل تجاوز جنسی محسوب شده و مرتکب به حبس ابد محکوم می‌شود (Zavala, 2007: 105-127). این رویکرد حقوق کانادا به این دلیل بوده است که قطعاً چنین عملی از لحاظ قابلیت سرزنش‌پذیری کمتر از آمیزش جنسی از راه دُبر و قُبُل نیست (Bennett & Williams, 2003: 65-96) و بهتر است چنین رویکردی در نظام کیفری کشورمان نیز اعمال شود. متأسفانه در قانون جدیدالتصویب همچنان اگر کسی به عنف و اکراه آلت خود را در دهان قربانی، اعم از زن یا مرد قرار دهد، مرتکب یک جرم تعزیری ساده با محکومیت ۹۹ ضربه شلاق تعزیری است و از نظر قانون‌گذار تجاوز جنسی صورت نگرفته است.

۲-۲- هتک ناموس محارم

در هر حال در بسیاری از نظام‌های حقوقی نظیر کانادا که روابط جنسی با رضایت طرفین، حتی برای افراد متأهل جرم‌انگاری نشده است (Field, 2003: 38-123)، زنا با محارم در زمره جرایم جنسی قرار گرفته و قابل مجازات است. در این دسته از نظام‌ها برای توجیه این امر به لزوم محافظت و دفاع از معیارهای قابل قبول اخلاقی استناد شده است که چنین استدلالی نشان‌دهنده قبح و قابلیت سرزنش شدید این عمل در جوامع مذکور است (احمدلو، ۱۳۷۶: ۲۹).

۲-۳- هتک ناموس اطفال و اعمال منافی عفت با اطفال

در کانادا، علی‌رغم این‌که روابط جنسی بین زن و مرد در صورتی‌که توأم با رضایت طرفین باشد، فاقد عنوان کیفری است، درخصوص دختران زیر ۱۶ سال این قاعده رعایت

نمی‌شد و جرم دیگری تحت عنوان حمله یا تماس جنسی بود. این مواد در سال ۱۹۵۶ به‌موجب قانون جرایم جنسی نسخ می‌شود. از این سال به بعد در قوانین مختلف فعل ارتكابی برای تحقق تجاوز جنسی «آمیزش جنسی»^۱ معرفی می‌شود. به‌موجب ماده ۴۴ این قانون مانند قانون قبل گفته شد که برای تحقق آمیزش جنسی رضای جنسی نیاز نیست و به صرف دخول، آمیزش جنسی محقق شده است. متأسفانه در این قانون هم مشخص نمی‌شود آیا آمیزش جنسی از مقعد هم موجب تحقق تجاوز جنسی خواهد بود یا نه؟ تنها تفاوت صورت‌گرفته در فعل ارتكابی تغییر عنوان آن از مقاربت جنسی به آمیزش جنسی بود که در فرهنگ حقوقی Black در تعریف این دو اصطلاح بیان می‌شود که این دو به یک معنا بوده، تنها اصطلاح آمیزش جنسی، امروزه اصطلاحی رایج‌تر و در عین‌حال ادبی‌تر از اصطلاح مقاربت جنسی می‌باشد (Garner, 1999: 302).

این وضعیت تا سال ۱۹۹۹ باقی ماند تا این‌که ماده ۱ قانون مذکور توسط ماده ۱۴۲ قانون عدالت کیفری و نظم عمومی، به‌طور کلی بازننگری می‌شود. به‌موجب این اصلاحیه صراحتاً قید می‌شود که آمیزش جنسی چه از دُبر و چه از قُبُل با شخصی که در حین آمیزش جنسی راضی نباشد، موجب تحقق جرم تجاوز جنسی است. از این سال به بعد آمیزش جنسی به عنف از راه مقعد هم منجر به تحقق جرم تجاوز جنسی می‌شد.

تا سال ۲۰۰۳، اوضاع به همین منوال می‌ماند و در تمامی قوانین و اصلاحات بعدی درخصوص تجاوز جنسی یا جرایم در حکم تجاوز جنسی، آمیزش جنسی به‌معنای دخول بدون رضایت آلت رجولیت در مقعد یا مهبل زن معرفی شد تا این‌که در این سال به‌موجب ماده ۱ قانون جرایم جنسی، فعل لازم برای تحقق این جرم علاوه بر دخول آلت تناسلی رجولیت در دُبر و قُبُل زن، شامل دخول آلت تناسلی در دهان زن در صورت فقدان رضایت وی نیز می‌شود (Stewart, 2003: 41-52) و به‌موجب بند دوم ماده ۷۹ این قانون دخول تناسلی یک فعل مستمر از لحظه داخل‌شدن آلت تناسلی تا

^۱ - Sexual Intercourse

نشده و دختران در این سن نمی‌توانند به دخول جنسی رضایت دهند و این نوع از رضایت بی‌اثر تلقی می‌شود (Eriksson et al, 2003: 45-96). حقوق‌دانان در توجیه این مقررات، لزوم حمایت قانون از افراد نابالغ را در قبال صدمات روحی ناشی از نزدیکی جنسی، علت جرم‌انگاری ارتکاب اعمال جنسی با اطفال تلقی کرده‌اند. نظریات دیگری نیز از قبیل لزوم حمایت از حق والدین دایر بر برخورداری از دختران عقیف نیز برای توجیه این مقررات ابراز گردیده است (کلارکسون، ۱۳۷۱: ۱۶۶).

به نظر می‌رسد مبانی یادشده الگوی مقنن، در جرم‌انگاری خاص اعمال جنسی مجرمانه به صورت جرم مستقل یا توأم با تشدید مجازات اولیه به اعتبار سن یکی از طرفین اعمال جنسی بوده است. لازم به ذکر است که قانون‌گذار در مواد قانون مجازات عمومی به لحاظ تحدید آثار سوء ناشی از وضعیت اطفالی که به اعمال جنسی رضایت می‌دادند، حبس در دارالتأدیب را مقرر نموده بود تا وضعیت مذکور تعدیل شود (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۹۸).

نتیجه‌گیری

قوانین کیفری ایران به حرمت‌های مذهبی و اخلاق اجتماعی در خصوص جرایم بر ضد حیثیت و شرافت انسانی، از جمله در زمینه اعمال جنسی و خلاف عفت عمومی توجه زیادی می‌نماید. ارزش‌های سنتی ایرانی در خصوص مسائل مربوط به اعمال جنسی و عفت عمومی پس از ظهور اسلام به شدت تحت تأثیر آموزه‌های شرعی منبعث از دین مبین اسلام و تعالیم مذهب شیعه اثنی‌عشری بوده و تأثیر عمیق این تعالیم در قوانین مدنی و کیفری تدوین‌شده در دوران قبل از انقلاب اسلامی نیز به خوبی مشاهده می‌شود. این در حالی است که در حقوق خارجی در طول زمان به موضوع قبح اخلاقی و حرمت مذهبی جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی کمتر توجه شده است. تا آنجا که در حال حاضر سیاست کیفری در نظام حقوقی کشورهای غربی، تنها نسبت به زنا یا اعمال منافی عفت توأم با عتک یا هتک ناموس صغیر یا زنا با محارم، حساسیت زیادی از خود نشان می‌دهد. قانون‌گذاری کیفری در دوران قبل از انقلاب اسلامی از یک سو حامی

ارزش‌های مذهبی در جرم‌انگاری هتک ناموس به عتک و هتک ناموس محارم و رابطه نامشروع زن شوهردار بوده و از سوی دیگر به حفاظت از ارزش‌های اجتماعی جاری در زمان خود، مانند حفظ بکارت دختران تا پیش از ازدواج - از طریق جرم‌انگاری ازاله بکارت - و همچنین جرم‌انگاری اعمالی مانند استفاده ممنوعه از اشیایی که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌نمایند، همت گماشته بود. در عین حال نیم‌نگاهی نیز به ارزش‌های نوظهور در جامعه که از رسوخ جریان فکری غرب در جامعه آن زمان ناشی می‌شد، می‌انداخت، چنانکه با مطالعه مواد قانون مجازات عمومی هیچ نشانی از جرم‌انگاری انجام عمل جنسی توأم با رضایت طرفین بین مرد و زنی که فاقد صفت بکارت باشد، مشاهده نمی‌شد. بنابراین عملکرد رویه قضایی قبل از انقلاب اسلامی نمی‌توانست بدون در نظر داشتن ارزش‌های حاکم بر سیاست کیفری قانون‌گذار بر مقتضیات نظم اخلاقی و اجتماعی نیز تأثیر بگذارد. رویه قضایی حتی در تشخیص اوصاف عمل مجرمانه نیز با توجه به اصول حاکم بر سیاست کیفری و اوضاع و احوال اجتماعی دخالت دارد. چنین دخالتی منحصر به دوران قانون‌گذاری قبل از انقلاب اسلامی ایران نبوده، بلکه در سایر نظام‌های حقوقی نیز مشاهده می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش انجام شده، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به‌عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، همه نویسندگان سهم برابر در نگارش داشتند.

تشکر و قدردانی: از همه بزرگوارانی که در نگارش این مقاله، راهنمایی داشتند، نهایت قدردانی و تشکر را دارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- احمدلو، محمود (۱۳۷۶). «سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه جرایم مبتنی بر روابط نامشروع (مقایسه حل و گذشته». پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد میرمحمدصادقی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول و دوم، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- برشتین، داگلاس و کسل، الین (۱۳۸۲). *رفتار جنایی*. ترجمه مرکز تحقیقات و پژوهش‌های ناجا، چاپ اول، تهران: نشر مرکز تحقیقات و پژوهش‌های ناجا.
- خلج معصومی، امیرحسین و قاسمی، ناصر (۱۳۹۷). «سیاست تقنینی ایران در بررسی اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی». *مجله مطالعات حقوقی*، ۳(۲۳): ۶۷-۸۴.
- زراعت، عباس (۱۳۹۴). *شرح قانون مجازات اسلامی (بخش حدود)*. چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات ققنوس.
- شریفی خضارتی، امیر (۱۳۹۰). *انحرافات جنسی (مطالعه تطبیقی جرم‌شناسی و فقهی)*. چاپ دوم، تهران: انتشارات اندیشه عصر.
- کلارکسون، کریستوفر (۱۳۷۱). *تحلیل مبانی حقوق جزا*. ترجمه حسین میرمحمدصادقی، چاپ اول، تهران: انتشارات معاونت فرهنگی جهاد دانشگاه شهید بهشتی.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶). *محشای قانون مجازات اسلامی*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات مجد.
- نورعلیزاده میانجی، مسعود (۱۳۸۸). «مدل اسلامی مصون سازی رفتار جنسی با تأکید بر پیشگیری و درمان انحرافات و مشکلات جنسی». *مجله مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۴(۵): ۱۰۷-۱۴۲.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۹۶). *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه عفت - اخلاق عمومی - حقوق و تکالیف خانوادگی)*. جلد دوم، چاپ نهم، تهران: انتشارات میزان.

ب. منابع انگلیسی

- Bennett, L & Williams, O.J (2003). "Substance Abuse and men who batter Issues in Theory and practice". *Journal of violence against women*, 9(5): 65-96.
- Eriksson, CJP; Von der, P; Sarkola, T (2003). "Stradiol and Haman male Alcohol related Aggression". *Journal of Alchol And Alcoholism*, 15(38): 45-95.
- Field, C.A (2003). "Longikudinal model predicting partner violence among white- Black and Hispanic couples in the united states". *Journal of Alcoholism clinical and Experimental Research*, 11(2): 38-123.
- Garner, B (1999). *aaakk' wwwDictionary*. 7th ed., U.S: West Publishing Company.
- Stewart, F (2003). "The Occurrence of Partner Physical Aggression on Days of Alchohl consumption A Tongitudinal Diary Study". *Journal of consulting and clinical psghobgy*, 71(1): 41-52.
- Zavala, E (2007). "Non physical intimate partner violence emotional a buse and contovolling be havior against women M.A. Disserbation Department of sociology". *Journal of An thro pology and social work*, 38 (5): 105-127.